



Research Paper

The representation of social actions (action and reaction) in Akhavan Sales's Narrative Poem ("Setarvan") based on van Leeuwen's discursive model

Mansour Rahimi

Ph.D. in Persian language and literature, Highschool teacher in Ministry of education
(mansourrahimi13@gmail.com)



10.22034/LDA.2023.62951

Received:

September, 7,
2023

Accepted:

October, 12,
2023

Available online:

December, 9,
2023

Keywords:

Van Leeuwen,
social action,
action and
reaction,
Akhavan Sales,
Setarvan

Abstract

Action and reaction is one of the binary oppositions proposed in Van Leeuwen's (1995) model of social actions, which can be investigated in the process of representing social actions. In order to represent social actions in "Setarvan", the present research has focused on the opposite duality of action and reaction. The results of the research show that the symbolic actions of the black cloud are based on making baseless claims about raining and the promise of watering, which are formulated through both of the approaches of material action and semiotic action with their branches. According to van Leeuwen, reactions to black cloud claims are also divided into three categories: Cognitive reaction, Affective reaction, and Perceptive reaction. Meanwhile, the Affective reaction of the thirsty group (the symbol of the general public) is due to desperation and lack of power, and it is an ideal image of public understanding. On the other hand, the reaction of the fog and old reaper (the symbol of the wise and intellectuals), which is a perceptive reaction, expresses a scholarly understanding of the action. It seems that, considering the ending indicating the continuation of the thirst of the thirsty group, the lack of change in the situation, the revelation of the lie of the black cloud and the high frequency of the discourse of despair and hopelessness in the poems of the Brotherhood, as a symbolist poet, he reacted to the perceptive reaction of the fog and old reaper. considered superior



مقاله پژوهشی

بازنمایی کنش‌های اجتماعی (کنش و واکنش) در شعر روایی سترون از اخوان ثالث

منصور رحیمی

دکترای زبان و ادبیات فارسی و دبیر متوسطه دوم آموزش و پرورش

Mansourrahimi13@gmail.com



10.22034/LDA.2023.62951

چکیده

کنش و واکنش یکی از دوگانه‌های تقابلی مطرح شده در الگوی کنش‌های اجتماعی ون لیوون (۱۹۹۵) است که در فرایند بازنمایی کنش‌های اجتماعی قابل بررسی است. پژوهش حاضر به منظور بازنمایی کنش‌های اجتماعی در شعر سترون اخوان ثالث، با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، بر دوگانه تقابلی کنش و واکنش تمرکز کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کنش‌های نمادین ابر سیاه مبتنی بر طرح ادعاهای بی‌اساس درباره باریدن و وعده سیراب کردن است که از طریق هر دو رهیافت کنش مادی و کنش نشانه‌شناختی با فروعات آن‌ها صورت‌بندی شده است. با توجه به آرای ون لیوون، واکنش‌ها نسبت به ادعاهای ابر سیاه نیز به سه دسته تقسیم شده‌اند: واکنش معرفتی، واکنش عاطفی و واکنش ادراکی. در این میان، واکنش عاطفی گروه تشنگان (نماد عموم مردم) ناشی از استیصال و عدم قدرت است و تصویری ایده‌آل از درک عمومی به شمار می‌آید. در مقابل، واکنش مه و پیر دروگر (نماد فرزندگان و روشنفکران) که واکنشی ادراکی است بیانگر درکی عالمانه از کنش خواهد بود. به نظر می‌رسد، با توجه به پایان‌بندی دال بر تداوم تشنگی گروه تشنگان، عدم تغییر در اوضاع، آشکار شدن دروغ ابر سیاه و بسامد بالای گفتمان یأس و ناامیدی در اشعار اخوان، وی به عنوان شاعری نمادگرا، واکنش ادراکی مه و پیر دروگر را واکنش برتر دانسته است.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۶/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۷/۲۰

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۰۹/۱۸

واژه‌های کلیدی:

ون لیوون، کنش
اجتماعی، کنش و
واکنش، اخوان
ثالث، سترون.

استناد: رحیمی، منصور. (۱۴۰۲). «بازنمایی کنش‌های اجتماعی (کنش

و واکنش) در شعر روایی سترون از اخوان ثالث»، نشریه تحلیل

گفتمان/ادبی، ۱ (۱)، ۲۳-۱.

۱. مقدمه و بیان مسأله

کنش‌های اجتماعی در متون متفاوت دارای صورت‌بندی‌های متعددی است که با توجه به الگوی ۱۹۹۵ ون لیوون، مبتنی بر پنج تقابل دوگانه خواهد بود. ون لیوون بر آن است تا از طریق مقوله‌های انتقادی، اجتماعی و معناشناختی همچون «عینی‌سازی، طبیعی‌سازی، انتزاعی‌سازی، وارونه‌سازی، عامل‌نمایی، مشخص‌سازی و مانند آن، چارچوبی توصیفی را برای تحلیل انتقادی شیوه‌های بازنمایی کنش اجتماعی» ارائه دهد (FC. Van Leeuwen, 2008:56). ون لیوون (۱۹۹۵) در فرایند بازنمایی کنش‌های اجتماعی پنج تقابل دوگانه را برشمرده است: کنش / واکنش، فعال‌سازی / غیرفعال‌سازی، عامل‌نمایی / عامل‌زدایی، انتزاعی / عینی، مشخص‌سازی تک‌موردی / مشخص‌سازی چند موردی. پرسش اساسی در نظریه کنش‌های اجتماعی ون لیوون (۱۹۹۵) این است که «کنش‌های اجتماعی چگونه در گفتمان بازنمایی می‌شوند؟». به منظور پاسخ‌گویی به این پرسش لازم است ابتدا مفهوم کنش اجتماعی توصیف شود، سپس می‌توان به چگونگی بازنمایی این کنش‌ها در متون مختلف پرداخت. ون لیوون دوگانه کنش و واکنش را در نمودار پیشنهادی خود این گونه نشان داده است:



نظریه کنش‌های اجتماعی ون لیوون که برای نخستین بار سال ۱۹۹۵ منتشر شد، کوشیده است تا الگویی توصیفی برای تحلیل انتقادی شیوه‌های بازنمایی کنش‌های اجتماعی ارائه دهد. این پژوهش بر آن است تا ابتدا با بررسی انتقادی پیشینه نظری تحقیق (الگوی کنشگران اجتماعی ون لیوون) نشان دهد که علی‌رغم آن که بیشتر پژوهشگران زبان فارسی، الگوی مذکور را نظریه ۲۰۰۸ ون لیوون دانسته‌اند، این الگو برای نخستین بار سال ۱۹۹۵ در نشریه گفتمان و جامعه منتشر شده است. ون لیوون سال ۲۰۰۸، هم این نظریه و هم نظریه کنشگران اجتماعی را در کتاب خود «گفتمان و کنش» تکرار کرده است.

از سوی دیگر، شعر سترون اخوان ثالث (۱۳۰۷-۱۳۶۹) از جمله اشعار روایی مبتنی بر عنصر گفتگوست. کنش و واکنش گفتگومحور، در متون روایی از عناصر بنیادین متن به شمار می‌آید. «متن، شکلی از تبادل است و شکل بنیادی متن، عبارت است از گفت‌وگویی که در میان متکلمان جریان دارد» (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۵۱). بررسی کنش‌ها و واکنش‌ها، راهبردی کارآمد در تحلیل گفتمان متون روایی به شمار می‌آید. پژوهش حاضر کوشیده است شعر سترون اخوان ثالث را بر اساس الگوی کنش‌های اجتماعی ون لیوون بررسی کند و در این راستا از میان پنج تقابل ذکر شده در آرای ون لیوون، تنها بر بررسی دوگانه کنش و واکنش در متن مذکور تمرکز کرده است. به این منظور، ابتدا هر یک از انواع بازنمایی‌ها با فروعات آن به طور اجمالی از کتاب ون لیوون (گفتمان و کنش) معرفی شده‌اند؛ سپس به یافتن مصداق‌های آن در متن شعر سترون و تحلیل یافته‌ها پرداخته شده است.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در خصوص بازنمایی کنشگران اجتماعی روی متون ادبی، سیاسی، حقوقی و مانند آن انجام شده است؛ اما تنها پژوهش یافته شده روی بازنمایی کنش‌های اجتماعی، مقاله «بررسی بازنمایی کنش‌های اجتماعی در مجموعه داستان زن زیادی از جلال آل احمد بر اساس الگوی ون لیوون (۲۰۰۸)» است که جنیدی جعفری و خاقانی (۱۳۹۴) در «زبان‌شناخت» منتشر کرده‌اند.

نکته مهمی که لازم است در خصوص نامگذاری الگوهای کاربردی ون لیوون به آن اشاره کرد، تاریخ‌هایی است که به هر یک از این الگوها منتسب شده است. تقریباً می‌توان

ادعا کرد تمام مقالاتی که به زبان فارسی چه درباره «بازنمایی کنشگران اجتماعی» بر اساس الگوی ون لیوون چاپ شده‌اند، این نظریه را الگوی ۲۰۰۸ ون لیوون نامیده‌اند. اگرچه هر دو نظریه در کتاب گفتمان و کنش اثر ون لیوون سال ۲۰۰۸ چاپ شده است اما در واقع دو الگوی مذکور پیشتر به صورت پراکنده در قالب مقاله منتشر شده بود. کتاب «گفتمان و کنش» (Discourse and Practice) اثر ون لیوون که سال ۲۰۰۸ منتشر شده است مجموعه‌ای از مباحث گفتمانی ۱۵ سال گذشته ون لیوون را در برمی‌گیرد و نویسنده در مقدمه کتاب با اشاره به این موضوع، تصریح کرده است که در کتاب مذکور مثال‌های بیشتری برای موضوع‌های پیشین ذکر کرده است. هدف نویسنده در کتاب گفتمان و کنش، آن است که «چارچوبی تحلیلی برای تحلیل گفتمان» (Van Leeuwen, 2008: vii) فراهم سازد و در این زمینه، مفهوم گفتمان را به مثابه ساخت‌های معنایی به کار گرفته که متأثر از آرای میشل فوکو است و در به‌کارگیری سیاق (شیوه) گفتمان نیز به آرای مایکل هالیدی توجه داشته است.

ون لیوون در آرای خود و بویژه در مبحث کنش‌های اجتماعی به جنبه معنایی-جامعه‌شناختی متن می‌پردازد و می‌کوشد فرایندی را که سبب پیکربندی بافتی می‌شود، نشان دهد. کار ون لیوون درباره کنش‌های اجتماعی «از این فرض آغاز می‌شود که همه گفتمان‌ها، پیکره بافتی کنش‌های اجتماعی را می‌سازند» (Ibid: vii).

مؤلفه‌های اصلی آرای ون لیوون در کتاب گفتمان و کنش عبارتند از: کنشگران و نقش‌ها و هویت‌هایشان، کنش‌ها و شیوه‌های بازنمایی آن‌ها، پیکربندی و زمان‌بندی. به این ترتیب، بسیاری از مباحثی که در این کتاب آمده است، پیشتر به صورت پراکنده منتشر شده‌اند؛ به طوری که خود ون لیوون در مقدمه کتاب اشاره می‌کند شش فصل از نه فصل کتاب قبلاً منتشر شده است. مبحث کنشگران و نقش‌های آنان که به الگوی ۱۹۹۶ ون لیوون شهرت یافته است، پیشتر با عنوان «بازنمایی کنشگران اجتماعی» در کتاب «متون و کنش‌ها» (Texts and Practices)، چاپ شده است. این کتاب مجموعه مقالاتی است که ۱۴ مقاله از راجر فاولر، تنو ون دایک، نورمن فرکلاف، تنو ون لیوون، روث وداک و دیگران را در برمی‌گیرد و سال ۱۹۹۶ در لندن چاپ شده است.

مقاله بازنمایی کنشگران اجتماعی از ون لیوون، مقاله سوم این کتاب ۳۰۷ صفحه‌ای است که از صفحات ۳۲ تا ۷۱ کتاب را به خود اختصاص داده است. همچنین مقاله

«بازنمایی کنش‌های اجتماعی (Representing Social Action)» که به عنوان فصل سوم از کتاب گفتمان و کنش صفحات ۵۵ تا ۷۵ کتاب را به خود اختصاص داده است، تقریباً همان مقاله‌ای است که سال ۱۹۹۵ در نشریه «گفتمان و جامعه» (Discourse and Society) منتشر شده و به گفته ون لیوون اندکی تغییرات در آن اعمال شده است.

با این اوصاف، ذکر نظریه «بازنمایی کنشگران اجتماعی» (Representing Social Actors)، همچنین نظریه «بازنمایی کنش‌های اجتماعی» به عنوان الگوی ۲۰۰۸، چندان صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا الگوی نخست سال ۱۹۹۶ و الگوی کنش‌ها نیز سال ۱۹۹۵ برای نخستین بار منتشر شده‌اند. فصل دوم و سوم کتاب «گفتمان و کنش» که سال ۲۰۰۸ چاپ شده است، مجدداً با همان محتوا، آن را تکرار کرده است.

۳. کنش‌های اجتماعی (social action) در شعر سترون اخوان ثالث

شعر سترون که دیماه ۱۳۳۱ سروده شده است، از جمله اشعار نمادین اخوان به شمار می‌آید که با شخصیت‌هایی محدود و نمادین به بازنمایی اوضاع رقت‌بار اجتماع می‌پردازد. در این شعر، «سیاهی» به عنوان نیروی منفی، کنش‌ها و سیر روایت را پیش می‌برد. سیاهی در شعر سترون به عنوان یک شخصیت قلمداد شده است. شخصیت، در روایت الزاماً شخصیت جاندار و انسانی نیست؛ بلکه حتی مفاهیم و صفات انتزاعی نیز می‌توانند به عنوان شخصیت در روایت ذکر شوند. «شخصیت در اثر روایی، کسی است که کیفیت روانی و اخلاقی او در عمل او و آنچه می‌گوید و می‌کند وجود داشته باشد. شخصیت می‌تواند رسم و سنت، خصلت فردی و نیروهای طبیعی و اجتماعی نیز باشد» (میرصادقی، ۱۳۸۸، ۲۰۰).

شعر سترون یکی از اشعار روایی اخوان ثالث است که در آن با بازنمایی مبتنی بر کنش و واکنش، به مانند بسیاری از اشعار نمادینش، بار دیگر بر آشفتگی اوضاع اجتماع تأکید کرده است. شاعر در این شعر با به‌کارگیری انبوهی از نشانه‌ها دال بر ناامیدی و عدم بهبود اوضاع، در چارچوب کنش و واکنش به بازنمایی فضای پر از یأس اجتماع پرداخته است.

۳-۱. کنش (Actions)

نخستین موضوع در بازنمایی کنش‌های اجتماعی در آرای ون لیوون (۲۰۰۸)، مبحث کنش است. کنش، امر لازم جهت بازنمایی واکنش‌ها به شمار می‌آید و در متن، همیشه ابتدا کنشی بازنمایی می‌شود و در پی آن، واکنش‌ها بازنمایی خواهد شد. ون لیوون (۲۰۰۸: ۵۶) با برشماری تعداد کنش‌های اجتماعی در کلام، به نوع بازنمایی آن‌ها از منظر انتقادی، جامعه‌شناختی و معنایی پرداخته و علاوه بر آن، به دلالت‌های دستوری و بلاغی نیز توجه داشته است.

بر اساس آرای ون لیوون، کنش‌های اجتماعی در یک تقسیم‌بندی، به اعتبار این که رخدادی هستند یا معنایی، به دو نوع مادی (material) و نشانه‌شناختی (semiotic) تقسیم می‌شوند (Van leeuwen, 2008:58) ون لیوون با استناد به سخن هالیدی (۱۹۸۵: فصل ۵)، تنها به مفاهیم جامعه‌شناختی و معنایی اکتفا نمی‌کند و معتقد است که دلالت‌های نحوی و دستوری نیز به عنوان معیاری در تمایز میان کنش‌های مادی و نشانه‌شناختی دخیل هستند (Fc. Van leeuwen, 2008:60).

۳-۱-۱. کنش مادی

بر اساس الگوی کنشگران اجتماعی ون لیوون، افعالی که هدف، مفعول یا اثر مادی و محسوس در جهان خارج دارند، در زمره کنش‌های مادی جای می‌گیرند. پرسش محوری که در کنش مادی به آن پاسخ داده می‌شود، این است که «او چه کاری انجام داد؟» (Van leeuwen, 2008:60). به عبارتی دیگر، کنش‌های مادی دارای مصداق یا اثری صورت گرفته و انجام شده هستند.

در شعر سترون اخوان ثالث، نخستین کنش انجام شده «برآمدن سیاهی از درون کاهدود» است که با صفت «حیله‌گر» و قید حالت «با اشکی آویزان» بازنمایی شده است تا همان پاره نخست کنش‌ها با «سنجش اخلاقی» (ون لیوون، ۱۳۹۵: ۲۲۵-۲۳۰؛ بورديو، ۱۳۸۰: ۳۰۹) و گفتمانی ارزیابی‌کننده بازنمایی شود. «تفسیرها، وصف‌ها و مقایسه‌هایی که راوی به کمک آن‌ها درباره کنش‌ها یا کنشگران، حکمی ذهنی یا اخلاقی ارائه دهد، در نوع کارکرد ارزیابی‌کننده جای می‌گیرند» (لینت ولت، ۱۳۹۲: ۶۹).

کنش حيله گرانۀ ابر سياه به منظور تحميل اقتدار خود بر گروه تشنگان است و با وعده‌های دروغين و طرح ادعاهای بی‌اساس، خود را برتر از ديگران نشانده است. «هر گونه تلاش، حيله گری و خدمتکاری برای خشنود کردن ديگران و به جهت اقتدار شخصی ...، برای به دست آوردن مزيت رقابتي برای رشد شخصی است» (قربانی و عبدی، ۱۳۹۷: ۱۰۷).

«سياهی از درون کاهدود پشت درياها

برآمد با نگاهی حيله گر، با اشکی آویزان» (اخوان ثالث، ۱۴۰۰: ۵۳).

انتساب صفات نکوهيده به ابر سياه می‌تواند ناظر بر دیدگاه اسطوره‌ای راوی-سراینده (اخوان ثالث) باشد. «این تلقی از ابر، برگرفته از نگاه اسطوره‌ای اخوان به آن است. نگاهی که از آگاهی او به اساطير آريایی سرچشمه گرفته است. آريایی‌ها ابر را دروغ‌زن می‌دانند» (پارسا و مرادی، ۱۳۹۴: ۵۶).

کنش‌های مادی، به دو گونه گذرا یا تبادلی و ناگذر یا غیرتبادلی تقسیم می‌شوند.

۳-۱-۱-۱. کنش مادی گذرا یا تبادلی (transactive)

کنش مادی گذرا یا تبادلی، آن است که علاوه بر انجام دهنده یا فاعل کنش، به هدف یا مفعول نیز نیاز دارد. بر این اساس، کنش مادی گذرا یا تبادلی دارای دو مشارک اصلی است: نخست، انجام دهنده کنش (Actor)؛ دوم: هدف یا پذیرنده کنش (Goal). کنش مادی تبادلی یا گذرا به دو نوع تعاملی (Interactive) و ابزاری (Instrumental) تقسیم می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دانشگاه علامه طباطبائی

الف) کنش مادی گذرا از نوع تعاملی

ون لیوون، معتقد است اگر هدف یا مشارک دوم در کنش مادی، انسان باشد، کنش مادی گذرا از نوع تعاملی خواهد بود (Van leeuwen, 2008:60). در شعر سترون اخوان ثالث، «سياهی» به عنوان فاعل با طرح ادعاهایی خود را معرفی می‌کند و با گروه تشنگان به تعامل می‌پردازد.

«سياهی گفت: اينک من، بهين فرزند درياها

شما را ای گروه تشنگان! سيراب خواهم کرد!» (اخوان ثالث، ۱۴۰۰: ۵۳)

عملی که به عنوان کنش مادی در این بخش از شعر سترون بازنمایی شده است، «معرفی کردن» و «طرح ادعای سیراب کردن» است که سیاهی به عنوان عامل و فاعل آن را طرح کرده است. از آن جا که مخاطب و هدف کنش، «گروه تشنگان» است، کنش با رویکرد کنش مادی گذرا از نوع تعاملی بازنمایی شده است.

در ادامه شعر، تکرار وعده‌های «سیاهی» -در مقام انجام‌دهنده کنش- و درختان -در مقام هدف کنش- با انتساب صفات و کارکردهایی مربوط به انسان بازنمایی شده است:

«پوشد هر درختی میوه اش را در پناه من

ز خورشیدی که دایم می‌مکد خون و طراوت را» (اخوان ثالث، ۱۴۰۰: ۵۳ و ۵۴)

در گزاره فوق، پوشیدن چه در معنای مجازی جامه پوشاندن تلقی شود، چه در معنای نهان کردن و در امان نگاه داشتن، کنشی مربوط به حوزه عمل انسان است که به سیاهی یا ابر منتسب شده است. همچنین واژه «پناه» و ذکر ضمیر «من» دو گزاره زبانی و دستوری هستند که هر دو ناظر بر حضور انسان در عبارت خواهند بود. از دیگر سو، مشارک دوم یا هدف کنش «خورشید» است که صفاتی مربوط به حوزه رفتاری انسان -رفتار نكوهیده- برای آن ذکر شده است. با این اوصاف هر دو طرف کنش (انجام‌دهنده و هدف)، انسان تلقی شده‌اند و کنش را باید کنش مادی گذرا از نوع تعاملی دانست.

ب) کنش مادی گذرا از نوع ابزاری

کنش مادی گذرا از نوع ابزاری، کنشی است که هدف یا مشارک دوم در آن، غالباً غیرانسان است. البته این بدان معنا نیست که الزاماً باید هدف یا مشارک دوم در کنش مادی گذرا، شیء یا غیر انسان باشد تا کنش از نوع ابزاری تلقی شود؛ بلکه گاهی مشارک دوم یا هدف کنش اگر چه انسان است اما به گفته ون لیوون، می‌توان در خوانش متن، از طریق افعالی نظیر «استفاده کردن (use)، نابود کردن (destroy)، حمل کردن (carry)، انتقال دادن (transport)» و مانند آن، هدف را به شیء یا غیر انسان تغییر داد (Van leeuwen, ۲۰۰۸: ۶۰). در چنین حالتی، کنش را باید کنش مادی گذرا از نوع ابزاری دانست.

«سیاهی از درون کاهدود پشت دریاها

برآمد با نگاهی حیل‌گر، با اشکی آویزان

به دنبالش سیاهیهای دیگر آمدند از راه

بگسترده بر صحرای عطشان، قیرگون دامن» (اخوان ثالث، ۱۴۰۰: ۵۳).
برآمدن سیاهی، به مثابه کنشی که به صورت مادی و محسوس رخ داده است، یک کنش مادی است و در ادامه سایه گسترده بر صحرا نیز دومین کنش مادی در پاره نخست شعر سترون به شمار می آید. در این بخش از شعر، «صحرای عطشان» هدف و پذیرنده کنش است؛ زیرا سیاهی بر صحرای تشنه، دامن قیرگونش را گسترانیده است. از آن جا که صحرا، غیرانسان است، «سایه گسترانیدن ابر سیاه بر صحرا» کنش مادی گذرا از نوع ابزاری است.

در ادامه شعر سترون، سیاهی بر صحرا مسلط می شود:

«سیاهی با چنین افسون مسلط گشت بر صحرا

زبردستی که دایم می مکد خون و طراوت را

نهان در پشت این ابر دروغین بود و می خندید» (اخوان ثالث، ۱۴۰۰: ۵۴).

تسلط «سیاهی» بر صحرا نیز گزاره ای دارای دو مشارک (انجام دهنده و هدف) است. بنابراین، کنش از نوع کنش مادی گذراست و از آن جا که صحرا غیرانسان است، کنش مادی گذرا از نوع ابزاری به شمار می آید.

۳-۱-۲. کنش مادی ناگذرا یا غیرتبادلی (Nontransactive)

در کنش مادی ناگذر یا غیرتبادلی، بر خلاف کنش مادی گذرا، تنها یک مشارک وجود دارد و آن کنشگر است. بنابراین در کنش مادی ناگذر، طرف دوم کنش (هدف و پذیرنده کنش) یا وجود ندارد یا دست کم ذکر نشده است.

ون لیوون کنش مادی ناگذر یا غیرتبادلی را کنشی می داند که فاقد مشارک دوم یا هدف است و به منظور تبیین مفهوم آن از مثال کودکان در متن مورد بررسی خود بهره می جوید و معتقد است: «آنها ممکن است بازی کنند، دور بزنند، ناله کنند، گریه کنند، نقاشی بکشند، یا آواز بخوانند، اما با چه کسی می دوند یا با چه کسی بازی می کنند، ناله و گریه آنها برای چیست، یا درباره چه چیزی نقاشی می کشند یا می خوانند، نشان داده نمی شود» (Van leeuwen, 2008:60).

۳-۱-۲. کنش نشانه‌شناختی (semiotic)

در الگوی ون لیوون، برخی از موارد ذکر شده برای کنش‌های مادی در مورد کنش‌های نشانه‌ای نیز صادق است. کنش‌های نشانه‌ای نیز همچون کنش‌های مادی می‌توانند گذرا یا ناگذر باشند (Van leeuwen, 2008:61). بویژه در مورد کنش‌هایی که ناگذر هستند اگر هدف کنش، رفتاری باشد جزو کنش‌های نشانه‌ای تلقی خواهد شد. افعالی که اثر یا هدف مادی ندارند جزو کنش‌های نشانه‌شناختی به شمار می‌آیند.

کنش‌های نشانه‌شناختی کنش‌هایی توصیفی و معنایی هستند و صورت انجام شده کنش در جهان خارج را نمی‌توان یافت. کارکرد کنش‌های نشانه‌ای فراتر از کنش‌های مادی است و توصیف و دلالت‌های معنایی آن، ظرفیتی را فراهم می‌سازد تا به گفته ون لیوون «فراتر از این‌جا و اکنون، امکان بازنمایی «آن زمان» و «آن‌جا» (Van leeuwen, 2008: 61). برای رجوع به گذشته و به تصور درآوردن آینده» مقدور باشد.

کنش نشانه‌شناختی بر اساس الگوی ون لیوون (۲۰۰۸) به دو دسته رفتاری و غیر رفتاری تقسیم می‌شود.

۳-۱-۲-۱. کنش نشانه‌شناختی غیر رفتاری (Nonbehavioral)

در مواردی که کنش نشانه‌ای غیررفتاری باشد معانی بازنمایی شده از طریق کنش نشانه‌شناختی به طور مضاعف بازنمایی می‌شود. ون لیوون در این مورد از اصطلاح «بازنمایی در بازنمایی» (Van leeuwen, 2008: 61). بهره برده است. کنش نشانه‌شناختی غیررفتاری در الگوی ون لیوون به چهار دسته مشخصه ظاهری، مشخصه موضوعی، بازگردانی و نقل قول تقسیم می‌شود.

الف) مشخصه ظاهری (Form specification)

مشخصه ظاهری از نظر ون لیوون، شکل مختصرتری از بازنمایی کنش نشانه‌شناختی است و بر توصیف مختصری درباره ظاهر نشانه یا دال استوار است. «محتوای یک کنش نشانه‌شناختی را می‌توان با مشخص کردن ماهیت ظاهری دال (مشخصه ظاهری) به شکل مختصرتر نیز منتقل کرد» (Van leeuwen, 2008: 62).

«سیاهی از درون کاهود پشت دریاها

برآمد با نگاهی حیل‌گر، با اشکی آویزان» (اخوان ثالث، ۱۴۰۰: ۵۳)

مشخصه ظاهری ابر در این بخش از شعر سترون، «سیاهی» است. چنان که پیداست، شاعر در بخش آغازین شعر مفهوم برآمدن سیاهی را به عنوان «استعاره مفهومی» (Lakoff & Jahnson, 1980: 3). ناظر بر اوضاع نابسامان به کار گرفته است. رنگ سیاه غالباً در ادبیات، دارای دلالت نمادین مبتنی بر مفاهیمی ناخوشایند است. «مفاهیم ناخوشایند رنگ سیاه را می‌توان مولود ارتباط آن با تاریکی... دانست ولی از نظر فرهنگی و یا لاقلاً از نظر فرهنگ اسلامی خود تاریکی نیز دارای مقام ارجمندی است، لذا اصولاً باید مفاهیم منفی رنگ سیاه را مولود همان اصل دوگانگی احساس (Ambivalence) دانست» (سیاه‌پوش، ۱۳۸۴: ۵۴۸).

در شعر سترون از اخوان ثالث نیز اساس توصیف در روایت بر مفهوم سیاهی استوار است. با توجه به کارکرد نمادین رنگ سیاه می‌توان، آغاز شدن شعر مذکور با واژه «سیاهی» را ناظر بر یأس، رکود، بدبینی و آشفته‌گی اوضاع اجتماع دانست که هم‌سو با تفسیرهای نمادین رنگ سیاه است. رنگ سیاه «پر هیجان‌ترین و هراس‌آورترین رنگ دنیای مادی. پیام‌آور سکوت و نقطه مقابل درخشش و نور» (نصیر، ۱۳۹۰: ۱۴) و رنگ «کینه، اندوه، بدبینی، فقر، خشکسالی، فراق و بدبختی» (رضایی و عزیزی، ۱۳۸۸: ۴۹) تلقی شده است. اخوان شاعر ناامیدی و توصیف‌های نمادین است که گاهی کلامش به پوچی و مرگ متمایل می‌شود. رنگ سیاه به عنوان مشخصه ظاهری ابری که نمی‌بارد، در بازنمایی این اندیشه شاعر نقشی مضاعف ایفا کرده است.

علاوه بر رنگ سیاه، یکی دیگر از مشخصه‌های ابر، صدای رعدش است:

«صدای رعد آمد باز، با فریاد غول آسا» (همان: ۵۴)

در بخشی از شعر نیز، «غار» به عنوان یکی از کنشگران شعر سترون، با رویکرد مشخصه ظاهری بازنمایی شده است:

«نگه می‌کرد غار تیره با خمیازه جاوید» (اخوان ثالث، ۱۴۰۰: ۵۴)

خمیازه غار، تصویری استعاری (استعاره مکنیه) است و ناظر بر شکل ظاهری دهانه غار است که به انسانی مانند شده که خمیازه می‌کشد.

ب) مشخصه موضوعی (Topic specification)

رویکرد مشخصه موضوعی در کنش‌های نشانه‌ای غیررفتاری، مبتنی بر تفصیل و تمایز موضوع است. در این رویکرد، موضوع با توضیح، تشریح و تفصیل بیان شده و معمولاً

تفصیل موضوع با کاربرد اصطلاح‌هایی چون «درباره، در باب، در پیوند با» (Van Leeuwen, 2008: 62). و نظایر آن انجام می‌شود.

در شعر سترون اخوان، راوی با رویکرد تفصیلی به بازنمایی ادعاهای مطرح شده از جانب، ابر سیاه می‌پردازد:

شما را ای گروه تشنگان! سیراب خواهم کرد!
چه لذت بخش و مطبوع است مهتاب پس از باران
پس از باران جهان را غرقه در مهتاب خواهم کرد» (اخوان ثالث، ۱۴۰۰: ۵۳)

توصیف و تفصیل زیبایی و لذت بخش بودن مهتاب پس از باران، سیراب کردن تشنگان و فضایی که جهان پس از باران به خود خواهد دید، جملگی، مشخصه‌هایی موضوعی هستند که راوی از زبان کنشگر مدعی (ابر سیاه) جهت اقناع هدف یا پذیرنده موضوع (گروه تشنگان) به تفصیل بیان کرده است.

در بخش دیگری از شعر نیز، راوی به تفصیل، چشم‌انتظاری گروه تشنگان برای باران را توصیف کرده است:

«به زیر ناودانها تشنگان، با چهره‌های مات
فشرده بین کفها کاسه‌های بی‌قراری را
"تحمل کن پدر..." باید تحمل کرد می‌دانم"

تحمل می‌کنم/ این حسرت و چشم‌انتظاری را» (اخوان ثالث، ۱۴۰۰: ۵۵)

در این بخش از شعر، گفتگوی کوتاه گروه تشنگان درباره توصیه به تحمل کردن و پذیرفتن توصیه بازنمایی شده است. راوی به قصد توضیح و تفصیل در موضوع، با رویکرد مشخصه موضوعی، قیده‌های حالتی را ذکر کرده است که درباره این گروه توضیح می‌دهد. «به زیر ناودان»، «با چهره‌های مات»، «فشرده بین کفها کاسه‌های بی‌قراری را» سه قید مکان و حالت هستند که به عنوان مشخصه موضوعی، کنش اجتماعی (گفتگو در باب تحمل حسرت و چشم‌انتظاری) را بازنمایی کرده است.

پ) بازگردانی (Rendition)

بازگردانی، رویه‌ای متمایل به گزارش است و به گفته ون لیوون در این رویکرد، عین واژگان و عبارات به کار نمی‌رود (Van Leeuwen, 2008: 62). بازگردانی یا بازنویسی را می‌توان در بسیاری از موارد، نقل قول غیرمستقیم دانست.

در شعر سترون اخوان ثالث، راوی سوم شخص، با ارائه خلاصه‌ها و گزارش‌هایی، کنش‌ها و واکنش کنشگران شعر را به هم پیوند می‌دهد:

«سیاهی از درون کاهدود پشت دریاها

برآمد با نگاهی حیل‌گر، با اشکی آویزان» (اخوان ثالث، ۱۴۰۰: ۵۳)

گزاره فوق که با رویکردی گزارشی بازنمایی شده است، نخستین مصراع شعر سترون است که از زبان راوی سوم شخص روایت شده است. افسون و ادعاهای دروغین ابر سیاه با رویکرد نقل قول مستقیم روایت شده و در ادامه، راوی سوم شخص بار دیگر با رویکرد خلاصه‌پردازی و گزارشی به بازنمایی دیگر کنش‌های روایت پرداخته است:

«سیاهی با چنین افسون مسلط گشت بر صحرا» (همان: ۵۴)

واکنش گروه تشنگان «پیچ کردن» نیز به صورت بسیار مختصر و خلاصه بازنمایی شده است:

«گروه تشنگان در پیچ افتادند» (همان: ۵۴)

بار دیگر کنش ابر سیاه (غرش کردن و فریاد) بازنمایی شده است:

«خروش رعد غوغا کرد با فریاد غول آسا» (همان: ۵۴)

واکنش مجدد گروه تشنگان در برابر غرش رعد و ابر سیاه:

«غریب‌از تشنگان برخاست

به زیر ناودانها تشنگان، با چهره‌های مات

فشرده بین کفها کاسه‌های بی‌قراری را» (همان: ۵۴ و ۵۵)

نتیجه کنش و واکنش‌های متعددی که راوی با رویکرد گزارشی آنها را به هم پیوند زده است:

«ولی باران نیامد

صدای رعد آمد باز، با فریاد غول آسا

ولی باران نیامد، پس چرا باران نمی‌آید؟

سر آمد روزها با تشنگی بر مردم صحرا» (همان: ۵۵)

بازگردانی در متون روایی نظیر شعر سترون، غالباً به راوی-نویسنده (سراینده) سپرده می‌شود و وی در نقش کنترل‌کننده و هدایت‌کننده روایت، گفتگوها و رویدادها را سامان می‌بخشد و گفتمان خود را در آن جای می‌دهد (ر.ک. لیت ولت، ۱۳۹۲: ۱۸۷).

(ت) نقل قول (Quotation)

نقل قول، یکی از رویکردهای بازنمایی کنش نشانه‌ای غیررفتاری است که در آن علاوه بر معانی به کار رفته و مدّ نظر کنشگران، عین واژگان و عبارات آنان نیز بازنمایی می‌شود. در این جا مقصود ون لیوون از نقل قول، تنها گونه مستقیم آن است و از نظر وی، افزایش ضریب اعتبار بازنمایی، از کارکردهای اصلی نقل قول مستقیم به شمار می‌آید. همچنین ون لیوون به چرایی کاربرد نقل قول اشاره کرده و معتقد است که یکی از علل اصلی کاربرد نقل قول مستقیم آن است که «من نمی‌توانستم بهتر بگویم. یا هیچ نظر و تفسیر بیشتری نیاز نیست» (Van leeuwen, 2008: 61).

در کلام مستقیم برخلاف کلام غیرمستقیم، هم‌سوئی زاویه دید یا عبارت‌پردازی‌های میان راوی و شخصیت به چشم نمی‌خورد چرا که در این گونه موارد، راوی عنصری خنثی به شمار می‌آید که در دایره روابط علی یا کمی و کیفی رویدادها نمی‌گنجد. به گفته مایکل تولان کارکرد گفتار مستقیم در داستان، شبیه‌سازی تظاهر به موثق بودن است. (تولان، ۱۳۸۶: ۲۲۴)

۱۵

کنش نخست در پاره دوم شعر سترون، مربوط به «سیاهی» است که به گروه تشنگان وعده «سیراب کردن» می‌دهد و زیبایی و لذت مهتاب پس از باران را توصیف می‌کند. این کنش با رویکرد نقل قول مستقیم بازنمایی شده است:

«سیاهی گفت: اینک من، بهین فرزند دریاها

شما را ای گروه تشنگان! سیراب خواهم کرد!

چه لذت بخش و مطبوع است مهتاب پس از باران

پس از باران جهان را غرقه در مهتاب خواهم کرد» (اخوان ثالث، ۱۴۰۰: ۵۳)

در این بخش از شعر، سخنان ابر سیاه با واژگان و عباراتی که خود وی به کار برده و به شکل اول شخص مفرد (نقل قول مستقیم) آورده، بازنمایی شده است.

در ادامه، واکنش گروه تشنگان نیز با نقل قول مستقیم بازنمایی شده است:

«غریو از تشنگان برخاست: "باران است؛ هی! باران

پس از هرگز خدا را شکر... چندان بد نشد آخر"» (همان، ۵۴)

همچنین گفتگوی گروه تشنگان با یکدیگر در واکنش به ادعای باریدن ابر سیاه:

«به زیر ناودانها تشنگان، با چهره‌های مات
فشرده بین کفها کاسه‌های بی‌قراری را
"تحمل کن پدر..." باید تحمل کرد می‌دانم
تحمل می‌کنم این حسرت و چشم‌انتظاری را"

ولی باران نیامد! "پس چرا باران نمی‌آید؟"
"نمی‌دانم ولی این ابر بارانی ست، می‌دانم
ببار ای ابر بارانی! ببار ای ابر بارانی..."

شکایت می‌کنند از من لبان خشک عطشانم" (همان: ۵۵)

کنش تکراری و ادعاهای بی‌اساس ابر سیاه بار دیگر با صیغه اول شخص و رویکرد
متمایل به نقل قول بازنمایی شده است:

«شما را، ای گروه تشنگان! سیراب خواهم کرد» (همان: ۵۵)

همچنین واکنش مجدد گروه تشنگان که این بار با گزاره پرسشی ناظر بر تردید و
ناامیدی است با نقل قول بازنمایی شده است:

«گروه تشنگان در پیچ افتادند: "آیا این
همان ابراست کاندیر پی هزاران روشنی دارد؟"
و آن پیر دورگر گفت با لبخند زهر آگین

"فضا را تیره می‌دارد، ولی هرگز نمی‌بارد"» (اخوان، ۱۴۰۰: ۵۵ و ۵۶)

نقل قول در شعر سترون از تمام رویکردهای بازنمایی کنش‌های اجتماعی بسامد
بالاتری دارد و به نظر می‌رسد نسبت‌های اعتبار راوی با این رویکرد افزایش یافته است؛ زیرا
هر کنش یا گفته‌ای با عبارت‌ها و واژگان خاص همان کنشگر بیان شده است. در این میان
راوی، در نقش سامان‌دهنده و کنترل‌کننده روایت، گفتگوها و رویدادهایی را که مبتنی بر
دو وضعیت کنش و واکنش هستند به یکدیگر پیوند زده است.

۳-۲-۱-۲. کنش نشانه‌شناختی رفتاری (Behavioral)

ون لیوون، کنش‌های رفتاری را به رفتار انسان پیوند زده است. از نظر وی کنش‌ها زمانی
رفتاری هستند که اولاً جزو کنش‌های نشانه‌شناختی به شمار آیند، ثانیاً مربوط به رفتار
انسان باشند و هیچ یک از انواع چهارگانه کنش‌های غیررفتاری نباشند. «هرگاه بازنمایی

کنش نشانه‌ای با نقل قول، بازگردانی، یا مشخص کردن موضوعی و ظاهری صورت نگیرد، به رفتارگرایی نزدیک است» (Van leeuwen, 2008: 62).

«زبردستی که دایم می‌مکد خون و طراوت را
نهان در پشت این ابر دروغین بود و می‌خندید» (اخوان ثالث، ۱۴۰۰: ۵۴)

«... خروش رعد غوغا کرد با فریاد غول آسا
تحمل می‌کنم این حسرت و چشم‌انتظاری را» (همان: ۵۴)

«... و آن پیر دورگر گفت با لبخند زهر آگین» (همان: ۵۶)
در شاهد‌های شعری فوق، واژگان مشخص شده مفاهیمی چون دروغ گفتن، خندیدن، خروشیدن، فریاد کشیدن، تحمل کردن، حسرت کشیدن و چشم‌انتظاری، رفتارهایی انسانی هستند که به عنوان کنش نشانه‌شناختی رفتاری بازنمایی شده‌اند.

در مجموع، کنش‌های بنیادین در روایت شعر سترون مربوط به همان پاره نخست و دوم شعر و منتسب به «سیاهی» است و در ادامه شعر، واکنش دیگر شخصیت‌های روایت به دو کنش «آمدن یا برخاستن» و «وعده دادن» سیاهی، اهمیت خواهد داشت.

۲-۳. واکنش (Reactions)

در الگوی ون لیوون (۲۰۰۸)، نخستین دوگانه ذکر شده در بازنمایی کنش‌های اجتماعی، دوگانه کنش و واکنش است. همان گونه که از عنوان پیداست در این بخش از بازنمایی، پرسش اساسی آن است که «چه کسی، چگونه و به چه کسی واکنش نشان می‌دهد؟» (Van leeuwen, 2008: 56). ون لیوون، واکنش را به چهار دسته تقسیم کرده است: نامشخص (Unspecified)، معرفتی و شناختی (Cognitive)، عاطفی (Affective)، ادراکی (Perceptive).

۱-۲-۳. واکنش نامشخص (Unspecified Reaction)

به گفته ون لیوون (۲۰۰۸: ۵۸)، نامشخص‌سازی واکنش از طریق افعالی نظیر پاسخ دادن یا واکنش نشان دادن و اسم‌ها، صفت‌ها و قیدهای مرتبط با آن، میسر است. در شعر سترون اخوان ثالث مصداق واکنش نامشخص یافت نشد.

۳-۲-۲. واکنش معرفتی و شناختی (Cognitive Reaction)

واکنش‌هایی که مبتنی بر شناخت و بهره‌گیری از افعال و اوصاف شناختی هستند از نوع واکنش معرفتی و شناختی به شمار می‌آیند. دسته نخست از واکنش‌ها در شعر سترون، واکنش غار در برابر ادعای ابر سیاه مبنی بر باریدن و سیراب کردن، واکنشی معرفتی و شناختی است:

«نگه می‌کرد غار تیره با خمیازه جاوید» (اخوان ثالث، ۱۴۰۰: ۵۴)

ذکر فعل نگاه کردن که در حوزه معنایی «دیدن، شناختن و دانستن» است در الگوی کنش‌های اجتماعی ون لیوون ناظر بر واکنش معرفتی و شناختی است (Van leeuwen, 2008: 58). واکنش غار که نگاه کردن است و با قید «خمیازه جاوید» بازنمایی شده است، می‌تواند واکنشی معرفتی و شناختی باشد و نوعی بی‌تفاوتی در برابر ادعاهایی که گویی پیشتر نیز بسیار تکرار شده اما تغییری رخ نداده است.

۳-۲-۳. واکنش عاطفی (Affective Reaction)

ون لیوون واکنش‌های عاطفی را واکنشی دانسته که مبتنی بر احساس و عاطفه است و در آن «تفکر یا اندیشیدن» کاهش می‌یابد (Van leeuwen, 2008: 58). در مقابل، احساس و عاطفه در این گونه واکنش‌ها به شکل برجسته‌ای آشکار می‌شود.

در شعر سترون، سیاهی (ابر سیاه) به عنوان عامل منفی و مدعی ایجاد تغییر در اوضاع ناسامان، ادعا می‌کند که بر تشنگان و صحرای تشنه‌شان خواهد بارید. دسته دوم واکنش‌ها در برابر ادعای ابر سیاه، واکنش گروه تشنگان و صحرای تشنه است که با تکیه بر امید، ادعای «سیاهی» را پذیرفته‌اند و در انتظار باران پس از خروش ابر هستند. به قولی دیگر، این دسته از کارگزاران واکنشی عاطفی نشان می‌دهند.

«گروه تشنگان در پیچ/فتادند: "دیگر این

همان ابر است کاندرا پی هزاران روشنی دارد"» (همان: ۵۴)

امید به بهبود، در گزاره فوق، سبب شده است که کنشگران (گروه تشنگان) بدون اندیشیدن به صحت یا عدم صحت ادعاهای تکراری ابر سیاه و با تکیه بر احساس امیدواری، اقناع شوند که این بار، دیگر وضعیت متفاوتی رخ خواهد داد و این همان ابری است که آنان در انتظارش بودند تا ببارد. بر این اساس، واکنش گروه تشنگان، در برابر ادعا و غرش

ابر سیاه - که هرگز نمی‌بارد - واکنشی از روی عاطفه و احساس و مبتنی بر گفتمان امید است. خود این واکنش عاطفی نیز می‌تواند بر استیصال و عدم امید ناشی از نبود قدرت دلالت کند. در حالتی که عموم کارگزاران اجتماع قدرت ایجاد تغییر ندارند به هر وعده و نشانه‌ای دل می‌بندند، باشد که تغییری رخ دهد.

به گفته ون لیوون «هر اندازه که قدرت کنشگران اجتماعی کاهش یابد، میزان واکنش‌های عاطفی منتسب به آنها افزایش می‌یابد» (Van leeuwen, 2008: 58). در واقع، گروه تشنگان می‌کوشند تا با بازتولید خواست و واقعه ایده‌آل خود چنین القا کنند که این ابر دیگر می‌بارد؛ حال آن که حقیقت ابر سیاه در شعر سترون اخوان ثالث آن است که هرگز نمی‌بارد. «تصویر ذهنی که گروه از خود درک می‌کند فقط از طریق و در قالب فعالیت دایم بازنمایی دوام می‌یابد. بازنمایی‌ای که به وسیله آن عاملان حداقل ظاهر همراهی با حقیقت ایده‌آل گروه را بازتولید می‌کنند» (بوردیو، ۱۳۸۰: ۳۱۲).

۳-۲-۴. واکنش ادراکی (Perceptive Reaction)

ون لیوون افعال و توصیف‌هایی را که دال بر ادراک و قطعیت هستند، جزو واکنش‌های ادراکی به شمار آورده است (Van leeuwen, 2008: 58). دسته سوم واکنش‌ها در برابر ادعاهای ابر سیاه، واکنش «مه و پیر دروگر» است که به صورت مفرد ذکر شده‌اند و می‌تواند ناظر بر تنها بودن شاعران در دردمندی و ادراک دردهای اجتماع باشد.

«مه از قعر محاقش پوزخندی زد بر این تزویر

...

پیر دروگر گفت با لبخندی افسرده:

«فضا را تیره می‌دارد، ولی هرگز نمی‌بارد» (همان: ۵۴)

واکنش مه، که با «پوزخند زدن» بازنمایی شده است، دال بر ادراک عمیق نسبت به ادعاهای بی‌اساس ابر سیاه است، خواهد بود که واکنشی از نوع ادراکی است. از سوی دیگر، ذکر واژه «تزویر» و انتساب آن به سخن و ادعای ابر سیاه ناظر بر گفتمانی ارزیابی‌کننده است که کنشگر با ارزیابی خود از ادعای ابر سیاه، به آن رسیده است. همچنین واکنش پیر دروگر که با قید حالت «لبخندی افسرده» بازنمایی شده است و نوعی قطعیت و اطمینان از

صحت گفته‌اش را طرح می‌کند، حاکی از ادراکی عمیق در برابر ادعاهایی است که ابر سیاه افسونگر بیان کرده است.

بر این اساس واکنش پیر دروگر نیز از نوع ادراکی است. این دسته از کنشگران (مه و پیر دروگر)، ادعای ابر سیاه را بی‌اعتبار می‌دانند و با درک عالمانه و شناختی که از آن دارند سخنانش را دروغ می‌پندارند. بر این اساس در واکنش‌های بازنمایی شده در برابر ادعاهای ابر سیاهی «تقابل بین درک عمومی و درک عالمانه به میان می‌آید و جهان‌شمولیت بر درک عمومی تکیه می‌کند نه درک عالمانه. چون بر پایهٔ اعتماد به درک عمومی است که عام و همه‌گیر شدن یا جهان‌شمول شدن ارزش‌ها و روش‌ها پا می‌گیرد» (بوردیو، ۱۳۸۰: ۳۱۴).

درک عمومی با واکنش صحرا و گروه تشنگان بازنمایی شده است. درک عالمانه نیز شامل توصیف واکنش مه و پیر دروگر می‌شود.

۴. نتیجه‌گیری

در شعر سترون، انتخاب‌های شاعر در بازنمایی کنش‌های اجتماعی، گفتمانی مبتنی بر یأس و ناامیدی را صورت‌بندی کرده است. یأسی که بر بخش عظیمی از جامعهٔ روشنفکری — که در این شعر، پیر دروگر آن را نمایندگی می‌کند — غلبه یافته و سایر مردمان (گروه تشنگان) هنوز به این مرحله از ناامیدی نرسیده‌اند و با هر نشانه‌ای، به بهبود اوضاع امیدوار می‌شوند. به طور کلی واکنش‌ها در برابر ادعای بی‌اساس ابر سیاه به سه دسته تقسیم شده است: واکنش گروه تشنگان، واکنش غار، واکنش مه و پیر دروگر. در این میان واکنش گروه تشنگان که بر اساس الگوی کنش‌های اجتماعی ون لیوون ذیل واکنش عاطفی طبقه‌بندی شد در آرای بوردیو نیز تحت عنوان واکنش مبتنی بر درک عمومی ذکر شده است. از سوی دیگر واکنش غار (از نوع واکنش معرفتی و شناختی) و واکنش مه و پیر دروگر (از نوع واکنش ادراکی) در آرای بوردیو تحت عنوان درک عالمانه آمده است. با توجه به گرایش خاص اخوان ثالث به نمادگرایی و با تأمل در بسامد بالای گفتمان یأس و ناامیدی در اشعار اخوان، می‌توان این فرض را طرح کرد که پیر دروگر و واکنش وی نسبت به ادعاهای مکرر و بی‌اساس ابر سیاه در واقع، نمادی است که ناظر بر بازتولید شخصیت اخوان و همفکران او در اجتماع — که با استدلال درک عالمانه از اوضاع، گفتمان یأس و عدم بهبود اوضاع را تکثیر می‌کنند — خواهد بود. از آن جا که شعر سترون با نتیجهٔ قطعی نابردن، آشکار شدن

دروغ ابر سیاه، تداوم تشنگی گروه تشنگان و عدم تغییر در وضعیت، پایان‌بندی شده است، به نظر می‌رسد اخوان در بازنمایی کنش‌ها و واکنش‌های شعر سترون، واکنش مبتنی بر درک عالمانه (واکنش ادراکی) را که مه و پیر دروگر از خود نشان داده‌اند، بر سایر واکنش‌ها برتر دانسته است.



منابع

- اخوان ثالث، مهدی (۱۴۰۰). *گزینه اشعار*، تهران: مروارید.
- بورديو، پی.یر (۱۳۸۰). *نظریه کنش*، ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران: نقش نگار.
- پارسا، سید احمد؛ مرادی، فرشاد (۱۳۹۴). «بررسی سمبولیسم اجتماعی در سروده‌های مهدی اخوان ثالث» *مطالعات و تحقیقات ادبی*، ۱۸، ۶۸-۶۱.
- تولان، مایکل (۱۳۸۶). *روایت‌شناسی، درآمدی زبانشناختی-انتقادی*، ترجمه فاطمه علوی و فاطمه نعمتی، تهران: سمت.
- جنیدی جعفری، محمود و طوبی خاقانی (۱۳۹۴). «بررسی بازنمایی کنش‌های اجتماعی در مجموعه داستان زن زیادی از جلال آل احمد بر اساس الگوی ون لیوون (۲۰۰۸)»، *زبان‌شناخت*، ۶، (۶)، ۹۷-۷۷.
- قربانی، علی و جهان عبدی (۱۳۹۷). «طراحی مدل کنش پس‌اندازی: پیش‌آیندها و پس‌آیندها و استراتژی‌های کنش و واکنش»، *پژوهش‌های مدیریت عمومی*، ۴۲، ۱۲۶-۱۰۶.
- لینت ولت، ژپ (۱۳۹۲). *رساله‌ای در باب گونه‌شناسی روایت*، نقطه دید، ترجمه علی عباسی و نصرت حجازی. تهران: علم.
- ون دایک، تئو (۱۳۸۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*، گروه مترجمان: پیروز ایزدی و همکاران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
- هلیدی، مایکل و رقیه حسن (۱۳۹۳). *زبان، بافت و متن، جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی-زبان‌شناختی*، ترجمه مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی. تهران: انتشارات علمی.
- ون لیوون، تئو (۱۳۹۵). *ساخت گفتمانی مشروعیت‌سازی*، در *کتاب تحلیل گفتمان سیاسی*، گردآوری و ترجمه امیر رضایی‌پناه و سمیه شوکتی. تهران: تیسرا.
- Lakoff, G. & M. Johnson. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago and London: University of Chicago Press.
- Van, Leeuwen. T. (2008) *Discourse and Practice, New Tools for Critical Discourse Analysis*. OXFORD university press.
- Van, Leeuwen. T. (1995) "Representing Social Action. in" *Discourse and Society* 6(1):81-106 . used by permission of Sage Publications.
- Van, Leeuwen. T. (1996) *The Representation of Social Actors in "Texts and Practices: Readings in Critical Discourse Analysis"*, Edited by Carmen Rosa Caldas-Coulthard and Malcolm Coulthard, London: Routledge.